

یادداشت ۸

گزارش هشتمین روز محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی) از استکهلم امیرجوهری لنگرودی

پنجشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۰ برابر با ۲۶ اگوست ۲۰۲۱



امروز پنجشنبه هشتمین نشست در سومین هفته‌ی دادگاه حمید نوری (عباسی) دادیار سابق دستگاه قضایی حکومت اسلامی در دادگاه مرکزی شهر استکهلم برگزار شد.

برپایه خبرهای منتشره، امروز سومین روزی است که ایرج مصداقی بعنوان یکی از شاکیان پرونده‌ی حمید نوری در ادامه‌ی صحبت‌های روزهای پیش در برابر پرسش‌های دادستان و قضات دادگاه به بیان نظر خود می‌پردازد. در روزهای پیش او به زندان گوهردشت، معرفی «هیئت مرگ» راهروها، سالن حسینیه یا آمفی تاتر که عزیزان مان را در آنجا سربردار نمودند اشاره کرد و شرحی از جزئیات این مکان ارائه داد.

اظهارات جلسه هشتم دادگاه مربوط بود به کشتار سال ۶۷، مصداقی در این روز دادگاه، تماما در پاسخ به پرسش‌های پُرشمار دادستان و قاضی دادگاه، همه‌ی جزئیات پرسش‌های آنها را پاسخ می‌دهد. روز گذشته او به ترکیب چهار نفره‌ی «هیئت مرگ»: ابراهیم رئیسی، نیری، اشراقی و مصطفی پورمحمدی اشاره

نمود و افزود که ناصریان و نوری، زندانیان رابه نزد این «هیئت مرگ» منتخب خمینی می‌بردند.

وی از اعدام‌هایی صحبت به میان آورده که بازجویی آنها، تنها چند دقیقه طول کشیده و منجر به صدور حکم قطعی و اجرای اعدام آنها شده است. اما در این دادگاه حمید نوری با تمامی امکانات باید تا آوریل سال ۲۰۲۲ حضور داشته باشد، حرف‌های بیشمارانی را با ترجمه‌ی کلمه به کلمه‌ی آنها بشنود و آنگاه طی فرصت مناسب در کنار زبده‌ترین وکیلی که در اختیارش است، از خودش دفاع کند. ببینید تفاوت برخورد بیدادگاه دو تاسه دقیقه‌ای "هیئت مرگ" در گوهردشت و سایر زندان‌های ایران در دهه‌ی شصت، تا برپایی دادگاهی با ۹ ماه فاصله‌ی زمانی، در ۸۹ جلسه، فرصت شنیدن و داوری کردن در استکهلم سوئد! از کجا تا به کجاست؟! در حالی که سفیر مزدور حکومت اسلامی در سوئد، احمد معصومی فر، با ادعای «نقض حقوق زندانی، ممانعت از معاینه پزشک، هتک حرمت‌های اعتقادی و اعمال شکنجه جسمی و روحی» گفته: «شکایتی را توسط وکلا تنظیم و به مرجع قضایی تسلیم کرده است».

ای سفیر دروغگو، چرا در برابر محاکمه‌ی «حمید نوری»، دادیار اسبق زندان گوهردشت کرج که به اتهام مشارکت در اعدام گروهی زندانیان سیاسی در دهه‌ی شصت با این سطح شاکی و شاهد و خانواده‌های دادخواه که در حال پیگیری آنند و تاکنون طی هشت جلسه در جریان این دادگاه، ده‌ها بار نام ابراهیم رئیسی، به عنوان عضو «هیئت مرگ» مطرح شده، شما حمایت بیش از ۱۰۰ هزار ایرانی آزادی‌خواه در سوئد از موجودیت این دادگاه را در کنار خیل عظیم شاکیان - شاهدان و خانواده‌های دادخواه در سراسر ایران و خارج از مرزها را نمی‌بیند که بدان چشم دوخته و هر جلسه‌ی محاکمات را با حساسیت و مسئولیت دنبال می‌کنند، هیچ در نمی‌باید؟

چرا شما در برابر انتشار فیلم‌ها، تصاویر و ویدیوهای منتشره پس از هک دوربین‌های مداربسته‌ی زندان اوین و رسوایی بزرگی که رقم خورده است، اگر چنین رخدادی در همین سوئد و یا در هر کشور دیگری بروز می‌نمود؛ ما شاهد برکناری گسترده مدیران دستگاه قضایی آن کشور می‌شدیم، شما سکوت کرده و خفه خون گرفته‌اید؟

روزنامه‌ی همدلی در ایران طی یادداشتی با عنوان «ماجرای هک دوربین‌های زندان اوین چیست؟» نوشت: «درحالی که تصاویر و ویدیوهای منتشر شده نشان از هک شدن دوربین‌های زندان اوین دارد، تاکنون خبری از واکنش مقامات رسمی نیست و قوه قضاییه، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی هیچ واکنشی نشان نداده‌اند. با وجود سکوت مقامات، هک دوربین‌های زندان اوین یک چالش بزرگ امنیتی است.»

همدلی با اشاره این‌که هنوز «حجم اطلاعات» که در دست هکرها افتاده مشخص نیست، پرسیده است: «آیا آرشیو کامل فایل‌های ذخیره شده دوربین‌های زندان اوین به دست هکرها افتاده است؟ یا این‌که فقط لحظاتی که هک صورت گرفته، فیلم آن ضبط شده است؟ چه مدت زمانی هکرها به دوربین‌های زندان دسترسی داشته‌اند؟» این روزنامه افزود: «احتمالاً به زودی شاهد شناسایی برخی افراد (نیروهای امنیتی و مأموران زندان) از روی تصاویر آن‌ها خواهیم بود که هکرها شناسایی‌شان کرده‌اند و این به خودی خود ضربه‌ی بزرگی به نهادهای امنیتی وارد خواهد کرد...»

در همین روزنامه طی یادداشت دیگری آمده است: «در یکی از فیلم‌های منتشر شده سربازان صفر، زندانی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، درحالی‌که این مأمورین باید آموزش ببینند. قبلاً مسئولین می‌گفتند تخلف یک مأمور را نمی‌توان به سایر مأمورین بسط داد، اما باید پرسید وقتی این مأموران به آموزش نیاز دارند چه‌کسی به آن‌ها آموزش داده است که با متهم چنین رفتاری می‌کنند؟ اگر مأمور آموزش ندیده مقصر مقامات بالاتر هستند...» (۱)

وجود میدان فراخ آزادی‌های سیاسی در کشور سوئد، ما طی برپایی هر دادگاه، حضورده‌ها و صدها تن از افراد و فعالان سیاسی و زندانیان جان بدر برده کشتارهای دهه‌ی شصت، و حضور آنان در درون و برون دادگاه هستیم. آنها از کشورهای مختلفی به استکهلم می‌آیند. همچنین هر روز برپایی دادگاه، شاهد حضور خبرنگاران ایرانی و خارجی، که هر یک از آنان به سهم خویش این محکمه را دادگاهی پُراهمیت تلقی می‌کنند و برای پوشش خبری در محل حضور دارند.

نکته‌ی گفتنی اینکه از طریق کانال تلگرامی که با نام «حمید نوری»، نام گذاری شده، طی روزهای گذشته به این سو، گشایش یافته، چرا که برپایه آئین نامه‌ی حقوقی، نمی‌توان دادگاه را برای بیرون تصویربرداری نمود. از اینرو صدای کل برنامه‌ی دادگاه، توسط این کانال تلگرامی، به شکل - آنلاین- گزارش می‌گردد. افزون براین، با توجه به شرایط کرونایی، تعدادی از خانواده‌های اعدام شدگان دهه‌ی شصت و برخی شاکیان حمید نوری نیز از کشورهای مختلف خود را به استکهلم رسانده‌اند و فضای درون و برون و مواقع استراحت میدانی از دید و بازدیدها را می‌توان در برابر خود گشود.

برپایه‌ی گزارشات منتشره، در پیچ و خم برپایی دادگاه گاه از حادثه‌ی شگفتی آوری که در دادگاه دیده شد، گزارش دریافت می‌شود. در خبرها آمده است؛ هنگام رونمایی از نقشه‌ی زندان گوهر دشت که روی پرده‌ی دادگاه نمایش داده می‌شد. دادستان از مصداقی درباره‌ی یکی از درب‌های زندان گوهر دشت پرسید، کدام درب زندان مورد نظرت است؟ مصداقی که متوجه سؤال دادستان نشده بود، حمید نوری با خودکار اشاره داشت که منظورش این درب است! و این در حالی‌ست که حمید نوری پیشتر منکر حضورش در زندان گوهر دشت بوده و گفته که کارمند زندان اوین بوده است.

دادگاه هفتم و هشتم، آنگونه که تا حال گزارشاتش در سطح وسیع بازتاب یافته است، بار عاطفی بیان شاکی و شاهد ماجرا، مصداقی مشحون از بیان اندوهش بود. او در حین بیانش می‌گریست و دادگاه را نیز به گریه واداشت.

مصداقی در بیان آنچه که برهم‌نسلانش طی روزهای اعدام سال ۶۷ در راهروهای مرگ گوهر دشت گذشت، گاهی آنچنان دچار اندوه برآمده از خاطره‌ی آن جنایات می‌گشت و با بغض آنرا تعریف می‌نمود که تمام دادگاه را باخود به اندوه و گریه می‌کشاند. از جمله زمانی که وی، روایت اعدام «کاوه نساری» یکی از زندانیانی که صرع داشت و بر اثر ضربه مغزی حافظه‌اش را از دست داده بود و با این وضع او را به پای طناب دار کشاندند، تعریف کرد، فضای حاکم بر دادگاه بسیار متأثر از این روایت بود. اما حمید نوری بدون کوچک‌ترین واکنشی فقط به مصداقی نگاه می‌کرد. این روایت چون پتک گرانی بر سر و جان

حمید نوری می‌بارید و بر او فرود می‌آمد که اگر فیلم‌برداری می‌شد، همه‌ی ما شاهد لرزش دست‌ان‌اش می‌شدیم.

مصدیقی در روز هشتم محاکمه یاد آورشد: حمید نوری را برای اولین بار در «تونل مرگ» دیده است. تونلی که پاسدارها تشکیل می‌دادند و آنها را با کابل و هر آنچه که در دست داشتند، می‌زدند و به اطاقی که در آن اکسیژن کم بود، می‌بردند.

دادستان از او پرسیدند: شما هویت اصلی حمید نوری را از کجا تشخیص دادید، چون آن زمان گفته می‌شد که حمید نوری به نام حمید عباسی در زندان گوهردشت شناخته شده بوده است؟

مصدیقی در پاسخ دادستان گفت: طی سال ۶۷، یکسال بعد از اعدام‌ها، یکی از دوستانش توسط حمید عباسی؛ در یک اطاق شکنجه داده می‌شود. کارت شناسایی از جیب ایشان می‌افتد، آنگاه دوست ایشان از زیر چشم بند می‌بیند که حمید عباسی، شهرت اصلی‌اش حمید نوری بوده است و مواردی دیگری از جمله دیدار «هیئت مرگ» با شخص منتظری - که پیشتر در مقطع قرائت کیفرخواست دادستان، صدایش پخش شده بود - در نشست امروز مطرح شد.

برپایه‌ی یادداشت‌های پیشینم برآیم:

دادخواهی همین است! هم صدا شدن با مادران، پدران، همسران و فرزندان همه‌ی ایرانیان خفته در خاوران‌های ایران، بدون گره زدن نام مبارزان با وام‌خواهی حقوق بشری اتحادیه‌ی اروپا که نماینده‌اش در جریان مضحک‌هی نشست قضایی مرگ ابراهیم رئیسی بر تخت قوه‌ی اجرایی مهمان این جانی و حاکمیت جنایتکار بوده‌اند.

باری کارما از امروز با دادگاه و محاکمه حمید نوری در استکهلم تازه آغاز شده است، پژواک صدای دادخواهی همه‌ی مردمان رنج‌کشیده و داغدار، به وسعت ایران باشیم!

قرار است جلسه‌ی بعدی دادگاه روز سه‌شنبه آینده ۳۱ اگوست در دادگاه مرکزی استکهلم و با حضور شاهد دیگری دنبال شود.

تا یادداشتی دیگر ...

(۱) - روزنامه همدلی، عذرخواهی از اوین، چهارشنبه ۰۳ شهریور ۱۴۰۰

<https://hamdelidaily.ir/index.php?post=23076>